

لایه‌های سبک‌شناسی «شرح دعای صباح» آقا نجفی قوچانی

دکتر رسول بلاوی^۱

دکتر محمد غفوری فر^۲

چکیده

سبک‌شناسی، یکی از موضوعات ادبی است که در سده اخیر، توجهی ویژه از طرف ادیبان و سخن‌وران به آن شده است. سبک ادبی، از اندیشه هر فرد سرچشمه می‌گیرد که بیان‌کننده نگرش و بینش آن فرد به واقعیت‌های پیرامونی خود است. نوع الفاظ، ترکیبات و جمله‌بندی و طرز تعبیر معانی، مهم‌ترین عوامل در چگونگی سبک ادبی است. در این میان از جمله متونی که شایستگی و ارزش بررسی و تجزیه و تحلیل دارد، متون دینی به ویژه ادعیه و شروح آن‌ها به شمار می‌رود، دعای صباح امیرمؤمنان علی (ع) یکی از متون دینی است که توجه بسیاری از علمای شیعه را به خود جلب نموده و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است. یکی از بهترین شروح آن که به دلیل جلوه‌های ادبی، بلاغی و عرفانی از جایگاهی والا برخوردار است، شرح دعای صباح اثر آقا نجفی قوچانی می‌باشد. نوشتار حاضر بر آن است، تا عناصر سبکی شرح دعای صباح آقا نجفی را از نگاه سبک‌شناسی نویسندگان و ناقدان معاصر و بر اساس سه سطح و گستره زبانی (آوایی، واژگانی و نحوی)، ادبی (صنایع بدیعی و بیانی) و فکری و میزان انسجام این سطوح با همدیگر به روشی توصیفی - تحلیلی در سایه سبک‌شناختی تجزیه و تحلیل نماید، تا به واسطه این عوامل، شناختی هر چه بهتر و دقیق‌تر از این شرح به دست آید و زیبایی‌ها و ارزش‌های ادبی آن تبیین گردد.

واژگان کلیدی: شرح دعای صباح، آقا نجفی قوچانی، سبک‌شناسی، سطح‌های زبانی، ادبی و فکری.

۱. استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر r.ballawy@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه کوثر، بجنورد (نویسنده مسئول) m.ghafourifar65@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۷

مقدمه

از موضوعاتی که در حوزه ادبی، به عنوان ابزاری برای سنجش ارزش آثار ادبی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تبیین و بررسی ویژگی‌ها و صفات سبکی و به دیگر سخن سبک‌شناسی می‌باشد؛ دانش سبک‌شناسی، بستری فراهم می‌سازد تا بتوان با تکیه بر خصایل زبانی اثر و توانایی و قدرت ادبی نگارنده آن، میزان تأثیرگذاری وی بر مخاطب را مورد ارزیابی قرار داد.

هر اثر ادبی به اعتبار ویژگی‌های سبکی منحصر به فرد خود، از دیگر آثار متمایز می‌شود. این شاخصه‌های سبکی، متمایز کننده متن ادبی از متون ادبی دیگر و به تعریف دیگر هویت آن متن است. بررسی هر نوشته ادبی و شیوه نگارش نویسنده آن، بیان‌گر توانمندی وی در خلق نوآوری‌های ادبی است و رهاورد این شناخت، ارزیابی روش یا سبک هر نگارنده و گزینش نوشته‌های برتر وی می‌باشد. هر ادیب یا نویسنده متناسب با روحیه خویش، درون‌مایه‌ای برمی‌گزیند و پیرو آن، سبکی هماهنگ با لفظ و اندیشه‌اش می‌آفریند. سبک‌شناسی، گونه‌ای از تحلیل ادبی است که با تکیه بر روش‌های زبان‌شناسی، جنبه‌های مؤثر زبان مجازی و زیبایی‌های صور زبانی را بررسی می‌کند و به زبان پیچیده و نفیس ادبی بیش از زبان ساده علاقه نشان می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۵).

به عبارت دیگر، شناخت سبکی یک اثر ادبی گامی مؤثر در جهت ارائه نظرات و عقاید نسبتاً صحیح، راجع به صاحب اثر است.

مطالعات سبک‌شناختی در تفسیر متن، به بررسی جنبه‌های ادبی، زبانی و فکری اثر ادبی می‌پردازد و دانش‌هایی چون نقد ادبی، بلاغت و زبان‌شناسی را نیز پوشش می‌دهد.

شرح دعای صباح آقا نجفی قوچانی از جمله متونی دینی است که شایستگی بررسی و تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی دارد؛ زیرا اولاً دعای صباح منسوب به امیر سخن امام علی (ع) است؛ ثانیاً شارح آن نیز شخصی ادیب و عارف به نام آقا نجفی قوچانی می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا در حیطه بضاعت خود سبک ادبی شرح دعای صباح را بررسی کند تا زمینه آشنایی هر چه بیشتر ادب‌دوستان و اهل هنر با ویژگی‌های سبک ادبی ایشان، در سه حوزه زبانی، فکری و ادبی در پرتو سبک‌شناسی فراهم گردد و با بیان زیبایی‌ها و ارزش‌های ادبی آن، شناختی جدید از توانایی علمی و ادبی شارح آن ارائه دهد.

۱- سؤال‌های پژوهش

- ۱- مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی شرح دعای صباح چیست؟
- ۲- صور خیال و صناعات بدیعی چه جلوه‌ای در شرح دعای صباح دارد؟
- ۳- شرح دعای صباح از چه مؤلفه‌های فکری برخوردار است؟

۲- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- مهم‌ترین ویژگی زبانی شرح دعای صباح بهره‌گیری از لغات و واژگان عربی متناسب با اهداف و تا حدود زیادی دارای هنجارشکنی نحوی و فاقد بهره‌گیری از موسیقی درونی و بیرونی است؛
- ۲- شرح مسایل بیانی و بدیعی تا حدی فراوان در شرح دعای صباح جلوه‌گری می‌کند؛
- ۳- شرح دعای صباح بیان‌گر اندیشه‌های فلسفی و عرفانی است.

۳- روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است و بر اساس استناد به شرح دعای صباح اثر آقا نجفی قوچانی و استدلال و استخراج شواهد از آن صورت گرفته است؛ هم‌چنین برای بررسی سبک شرح دعای صباح از شیوه سبک‌شناسی نویسندگان و ناقدان معاصر بهره گرفته شده است، در این شیوه، به تحلیل متن از طریق سطوح سه‌گانه زبانی، فکری و ادبی پرداخته می‌شود تا با تجزیه متن به اجزای کوچک‌تر، به شناختی بهتر و دقیق‌تر از متن دست یابیم.

۴- پیشینه پژوهش و ضرورت انجام آن

درباره شرح دعای صباح آقا نجفی تا آنجایی که اطلاع داریم، اثری جدی، علمی و ارزشمند صورت نگرفته و شاید بتوان گفت اصلاً پژوهشی در این زمینه به رشته تحریر در نیامده است؛ در نتیجه ضرورت توجه به این شرح و تحلیل و بررسی سبک‌شناسی آن (فکری، زبانی، ادبی) سبب شد تا مقاله‌ای با این محتوا نگاشته شود و زمینه درک بهتر و عمیق‌تر از این اثر دینی - ادبی فراهم گردد.

۵- سبک‌شناسی و روش بررسی سبک متون

بررسی هر نوشته ادبی و شیوه نگارش نویسنده آن، توانمندی وی در خلق نوآوری و در نهایت جذب خوانندگان را به ما می‌نمایاند، رهاورد این شناخت، ارزیابی سبک و روش آثار هر نگارنده است.

«سبک» در زبان عربی، از مصدر ثلاثی مجرد، به معنای گذاختن، ریختن و قالب گیری کردن زر و نقره است (غلامرضایی، ۱۳۸۲: ۱۵).

سبک در اصطلاح ادبی عبارت است از: «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص، از لحاظ صورت و معنی القا می کند و آن نیز به نوبه خویش، وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می باشد» (بهار، ۱۳۴۹: ۱).

محمد معین در فرهنگ فارسی در ذیل واژه سبک چنین آورده است: «روشی خاص است که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می کند، طرز بیان ما فی الضمیر است (معین، ۱۳۸۹: ۱۸۱۸)، بنابراین واژه یاد شده در گستره ادبیات به معنای طرز و شیوه می باشد.

پیشینه سبک شناسی به یونان و روم باز می گردد. افلاطون، سبک را کیفیت و امتیازی تعریف می کند که «در بعضی از آثار وجود دارد و بعضی از آثار فاقد آن هستند. در این مفهوم، سبک به معنای هماهنگی کامل بین هدف و وسایل؛ یعنی اندیشه و الفاظی است که برای بازگو کردن به کار می رود و در حقیقت منظور از آن، منطبق بودن زبان نویسنده است با آنچه که قصد گفتن آن را دارد» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۱۲۵)؛ اما ارسطو، سبک را خاصیت ذاتی کلام می داند و معتقد است هر اثری دارای سبک است، حال این سبک ممکن است پست، متوسط یا عالی باشد (امین پور، ۱۳۸۴: ۱۷۹-۱۸۲).

سبک شناسی به معنای حقیقی خود در ایران پیشینه ای ندارد و به صورت کم رنگ در تذکره ها به چشم می خورد؛ به این ترتیب که تذکره نویسان در شرح زندگانی یک سراینده یا نویسنده، شیوه و عملکرد او را ستایش می نمودند. از دوره صفویه به بعد در کتب تذکره به معنای سبک برمی خوریم و ظاهراً اولین جایی که لفظ سبک به کار رفته «مجمع الفصحای» رضا قلی خان هدایت است (بهار، ۱۳۴۹: ۲۵/۱).

سبک شناسی جدید در آغاز قرن بیستم و در نتیجه مطالعات شارل بالی سوئیس پایه گذاری شد. سبک شناسی می کوشد تا متن را از لحاظ زیبایی شناسی بدون توجه به تاریخ، جامعه و زندگی مؤلف که - اموری خارج از متن هستند - بررسی و تحلیل کند؛ همان طور که جورج مانون سبک شناسی را بررسی ویژگی های زبانی می داند که به واسطه آن، متن از سیاق اخباری خود دور می شود و

وظیفه تأثیرگذاری، همراه با زیبایی ادبی را به عهده می‌گیرد، در نقد عربی، سبک‌شناسی در قرن گذشته توسط عقیف دمشقیه، عبدالسلام المسدی و محمدالهادی الطرابلسی آغاز شد (خاقانی اصفهانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

در ایران نیز برای اولین بار ملک الشعرا بهار در کتاب "سبک‌شناسی" خویش به بررسی سبک ادب فارسی پرداخته است، او در تعریف سبک بیان می‌دارد: «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است» (عبادیان، ۱۳۶۸: ۱۵).

سبک در عصر معاصر از دیدگاه‌های متفاوت بررسی و تعریف شده است: شمیسا معتقد است «سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. و یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۶). این وحدت از عوامل و مختصات تکرار شونده و جلب نظر کننده ناشی می‌شود، عواملی که نسبتاً آشکار؛ اما غالباً پنهان و پوشیده‌اند (همان). سناپور نیز سبک‌های مختلف را حاصل نگاه‌های متفاوت به جهان می‌داند؛ نگاهی که هر بار چیز تازه‌ای را کشف می‌کند (سناپور، ۱۳۸۷: ۹).

گرگوریان^۱ مدعی است که «سبک را نمی‌توان از اسلوب هنری، از نظرگاه یا شخصیت هنرمند، از درک وی از زمان‌هایی که در آن به سر می‌برد و از ویژگی‌های مآلی و هنری جدا دانست (خرچنگو، ۱۳۶۴: ۹۶)

در کلی‌ترین تعریف می‌توان گفت: سبک روشی است که شاعر و نویسنده و یا هنرمند، برای بیان موضوع یا هنر خود برمی‌گزیند؛ یعنی شیوه سرودن و نوشتن و ارائه اثر هنری، به بیان دیگر سبک حضور شخص است که آگاهانه یا نا آگاهانه در اثرش ظاهر می‌شود.

سبک‌شناسان و نقادان، برای تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی متون، روش‌ها و شیوه‌هایی گوناگون را در پیش می‌گیرند، یکی از این روش‌ها که شیوه سیروس شمیسا در تحلیل متن از طریق سه دیدگاه زبانی، فکری و ادبی می‌باشد تا با تجزیه متن به اجزای کوچک‌تر و تبیین رابطه آن‌ها با یکدیگر، به ساختار متن دست یابیم، در سطح زبانی، که متشکل از سه سطح موسیقایی، لغوی و نحوی است، به بررسی موسیقی جمله و عناصر موسیقایی آن، موسیقی درونی و بیرونی، وزن و قالب

1. Grigorian

شعری، نوع الفاظ، ترکیب جملات، ساختار نحوی و دستوری و جز آن پرداخته می‌شود. در سطح فکری، مهم‌ترین درون‌مایه‌ها و مضامین نویسنده، مورد تطبیق و تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت در سطح ادبی، مباحث بیانی و صور خیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) به کار رفته در متن ادبی، به بوته نقد و تحلیل سپرده می‌شود (خاقانی اصفهانی و دیگران، همان: ۱۳۳-۱۳۵).

۶- آقا نجفی قوچانی

سید محمد حسن آقا نجفی قوچانی معروف به آقا نجفی در سال ۱۲۹۵ هـ.ق (۱۲۵۷ هـ.ش)، در روستای خسرویه (خروه) از توابع قوچان به دنیا آمد؛ در سنین کودکی در روستای خروه قبل از هفت سالگی قرآن را نزد پدر ختم کرد و در ۱۳ سالگی روانه شهر قوچان شد و پس از سه سال تحصیل در قوچان پیاده از راه سبزوار و نیشابور به مشهد رفت و در مدرسه دو درب و پریزاد ادبیات و سطح را تا قوانین فرا گرفت (قوچانی، ۱۳۶۲: ۱-۲).

وی در ۱۹ سالگی همراه یکی از همدرسانش پیاده از راه طبس و کویر به یزد و از آنجا به اصفهان رفت و در مسجد «عربون» ساکن گردید؛ در اصفهان منظومه حاج ملا هادی سبزواری را نزد آخوند کاشی، رسائل را نزد شیخ عبدالکریم گزی و حکمت را نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی فراگرفت (قوچانی، ۱۳۷۸: ۳).

ایشان در سن ۲۳ سالگی پس از چهار سال توقف در اصفهان با یکی از دوستانش، پیاده عازم نجف گردید و در درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضور یافت و همین امر موجب شد، تصمیم بگیرد برای ادامه تحصیل در نجف بماند. آقا نجفی در کتاب سیاحت شرق خاطراتی زیاد از ناملایمات زندگی خود در نجف آورده است (همان). این عالم بزرگوار در ۳۰ سالگی به درجه اجتهاد نایل گردید و در سن ۴۳ سالگی و بعد از ۲۰ سال زندگی در نجف، به ایران بازگشت. وی در راه بازگشت پس از زیارت حرم امام رضا (ع) توقیفی کوتاه در مشهد می‌نماید و به درخواست مردم قوچان عازم این شهر می‌گردد و در آنجا ماندگار می‌شود و بیش از ۲۵ سال از عمر پیاپی خود را در مقام فقاوت و حاکمیت شرع در قوچان می‌گذراند و در ضمن به اداره حوزه علمیه دینی و تدریس در مدرسه عوضیه می‌پردازد؛ این مرد وارسته تا آخر عمر از کار و تلاش دست برداشت و سرانجام در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در سن ۶۸ سالگی در قوچان زندگی را بدرود گفت و در یکی از اتاق‌هایش به خاک سپرده شد (همان: ۴).

مرحوم آقا نجفی در نجف اشرف با رسیدن به عالی‌ترین مراحل کمال و مدارج فقاہت در مباحث فقه، اصول، عرفان، اخلاق و سفرنامه نویسی از خود تألیفاتی به یادگار گذاشت، که در این مقاله به تحلیل سبک شناسی یکی از مهم‌ترین تألیفات وی «شرح دعای صباح» خواهیم پرداخت.

۷- سبک‌شناسی شرح «دعای صباح» آقا نجفی قوچانی

دعای صباح، از ادعیه پر مغز و پر محتوا، منسوب به امیر مؤمنان علی (ع) است، آن حضرت این دعا را از رسول خدا (ص) آموخت و هر صبح آن را می‌خواند؛ علامه مجلسی ابتدا این دعا را از کتاب «اختیار المصباح» - نوشته سید بن باقی قرشی به سال ۶۵۳ هـ ق و از معاصران سید بن طاووس - نقل می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱/۲۴۲).

این دعا پس از نقل علامه مجلسی مورد توجه عالمان شیعی قرار گرفته و شروحن متعددی بر آن نگاشته‌اند، علامه فقید حاج آغا بزرگ تهرانی در کتاب ارزشمند «الذریعة» به شروح فارسی و عربی به صورت منظوم و منثور این دعا اشاره می‌کند و از جمله آن‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ۱- شرح منظوم فارسی، از مولی ابو الوفاء به نام «مفتاح الفلاح و مصباح النجاح»؛
 - ۲- شرح دعای صباح از محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی به نام «جناح النجاح»؛
 - ۳- شرح علامه میر محمد عبد الحسیب بن امیر سید بن زین العابدین؛
 - ۴- شرح حاج سید جواد بنان مدنی؛
 - ۵- شرح سید نور الله شریف حسینی شوشتری و جز آن‌ها. (تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۳/۲۵۲-۲۵۶).
- در میان انواع شروح این دعا، شرح آقا نجفی قوچانی یکی از بهترین آن‌ها به شمار می‌رود. تاریخ نگارش این کتاب در سال ۱۳۲۷ هجری قمری برابر با ۱۲۸۷ شمسی و به دستخط خود شارح و به زبان فارسی است و در سال ۱۳۷۸ شمسی به مناسبت مجمع بزرگداشت آقا نجفی، نشر هفت آن را به چاپ رسانید.

این شرح از امتیازاتی زیاد برخوردار است؛ زیرا مؤلف آن شخصی حکیم، عالمی ربّانی و ادیبی خوش قریحه است که در هر فرازی از دعای شریف صباح با باریک بینی خاص نکات ادبی، عرفانی و بلاغی را به دقت بررسی می‌کند و به جرأت می‌توان گفت در نوع خود بی‌نظیر است. همچنین شارح با استفاده از آیات قرآن کریم، روایات اهل بیت (ع) و اشعار شعرای عارف و

اصطلاحات عرفانی، بلاغی و حتی نکته‌های صرفی و نحوی برای خواننده از هر طبقه‌ای، جاذبه‌ای خاص را ایجاد کرده است.

در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از اصول سبک‌شناسی، شرح دعای صباح آقا نجفی بررسی شود. شایان ذکر است که در بررسی سبک‌شناسی شرح دعای صباح تا حدی، مرزهای بین سطوح سبک‌شناسی راه خود را گم می‌کنند، با این حال سعی شده است تا با توجه به قوانین سبک‌شناسی که بیان گردید، سبک این اثر ادبی - دینی واکاوی گردد.

۱-۷: سطح زبانی^۱

به طور کلی از دیرباز در بررسی و نقد یک اثر، سطح زبانی اهمیتی خاص برخوردار است و در میان دیگر سطوح مورد بررسی در سبک‌شناسی، قلمرویی گسترده دارد و شامل سطح کوچک‌تر آوایی، لغوی (واژگانی) و نحوی (عبارت‌پردازی) می‌شود. در فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی در پیوند سبک و زبان چنین آمده است: «سبک‌شناسان معتقد هستند: این مسأله که یک نویسنده از ماده اولیه موجود که شامل دستور زبان، ساختمان بندی‌های گوناگون جمله‌ها، لغات موجود در زبان و غیره می‌شود، انتخاب‌هایی خاص کرده و سبکی خاص را به وجود آورده است، بسیار حایز اهمیت است و مطالعه این انتخاب‌ها و نقشی که آنها می‌توانند در ساختن معنی داشته باشند، کمک زیادی به تحلیل‌گران در دستیابی به تحلیلی دقیق‌تر از متن می‌کند» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۱۹).

۲-۱-۷: سطح آوایی^۲

شمیسا بر این باور است که سطح آوایی در واقع همان سطح موسیقایی متن است؛ زیرا در این مرحله، متن از لحاظ ابزار موسیقی آفرین بررسی می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

نثر آقا نجفی قوچانی خصلت سبکی برجسته از جهت آواشناسی و موسیقی کلام ندارد.

1. Linguistic Level

2. Phonological Level

۳-۱-۷: سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه^۱

الف: واژگان فلسفی - عرفانی

نثر شرح دعای صباح آقا نجفی قوچانی، لبریز از واژگانی است که بار فلسفی دارند و بیش‌تر در کتب فلسفی به کار می‌روند؛ اما بسامد بالایی واژگان فلسفی هرگز دلیل بر آن نیست که وی دیدگاهی غیرعارفانه نسبت به هستی دارد. انبوه واژگان فلسفی، مانند قدم، حدث، صفت، ذات، عدم و غیره تحت تأثیر فضایی عارفانه که آقا نجفی خلق می‌کند، رنگی عرفانی به خود می‌گیرد و موانع از آن می‌شود که نثر وی از فضای عارفانه دور شود.

- «اگر کیفیت داشتی، کیفیت آن حادث است یا قدیم و ذات بر اولی محلّ حوادث خواهد شد»

(قوچانی، ۱۳۷۸: ۲۸).

- «مراد از رحمت در این جا وجود منبسط و فیض حقّ است» (همان، ۴۳).

دیگر بسامد واژگان فلسفی و عرفانی در شرح دعای صباح به این گونه است:

قوة غضبیه و شهوتیه (ص ۱۸)، عالم سفلی (ص ۱۹)، عالم زر (ص ۲۵)، اشراقیین (ص ۲۵)، مهیته (ص ۲۷)، حادث و قدیم (ص ۲۸) معلولیت (ص ۲۸)، صورت ذهنیه (ص ۳۰)، عالم اختراع و عالم ملکوت (ص ۳۱)، جبروت (ص ۳۱)، عالم ناسوت (ص ۳۲)، تکفّل (ص ۳۳)، اضمحلال (ص ۳۳)، وتیره (ص ۳۴)، هیولی، صورة اتّصالیة (ص ۳۷)، جنس، فصل، ماهیت (ص ۴۳)، عالم وجود منبسط، فیض اقدس (ص ۴۳)، عبودیت (ص ۴۶)، العلیة ثلینبلة، الحسیة الحیفیة، الطقیة القلیة، الکلیة الیهیة (ص ۵۳) تکیوینیة و تکیوینیة (ص ۵۷)، اضافه اشقیلة و اضافه اعتباریة (ص ۶۰)، امکان ذاتی و وقوعی (ص ۷۲)، مفوضه (ص ۷۴)، جیرة (ص ۷۴)، اشعری (ص ۷۴)، جسفیة الحدوث (ص ۷۷)، خوف و رجاء، قبض و بسط (ص ۸۰)، هلیة (ص ۸۳)، حرکت جبلی (ص ۸۵)، و ...

ب: واژگان عربی

امروزه در زبان معیار فارسی، واژگان عربی در حله معمول و مرسوم است به گونه‌ای که در ادای جملات روزانه (رسمی و غیر رسمی) از واژگان عربی نیز استفاده می‌شود، بدون این که ملیت واژه توجه کسی را به خویش جلب کند؛ اما در نثر شرح دعای صباح، آقا نجفی به مانند بزرگان دیگر

1. Lexical Level

حوزه فقهات دینی می‌توان برخی واژگان عربی را یافت که مخصوص زبان عادی و معیار نیست و ویژگی سبکی آقا نجفی به شمار می‌آید:

اشیاخفیه، نطق، غیر متمیّزه، طالع و ساطع، هاویة، ید، شمس، فطن، الثری، ضیاء، باب، نیر اعظم، مصنوع بی صانع، تعیش، اتّصاف، مجانست، مسوق، ما فیها، متفرّع، ملاحظه عیون، جسم ملون، انسالخ، مستشعر و مستبصر، تعلیم، غفلة و جهلة، جُبْن و تهوّن، میضه، الملخّص، کیف کان، لهذا، علی السّابق، اسفل السّافلین، الذّ لذایذ، محتاج الیه و معطى به، مع ذلك، الا أنت، مقربه و مبعده، انطماس، و ...

ج: تکرار واژگان

این ویژگی سبکی در اثر آقا نجفی ظهور چندانی ندارد و ایشان به ندرت برخی واژگان را به صورت متوالی در قالب مضاف و مضاف الیه و یا با فاصله یک حرف اضافه تکرار می‌کند، وی از تکرار واژگان به شکل مضاف و مضاف الیه و یا با فاصله چند حرف برای نشان دادن باطن و عمق یک مفهوم کمک می‌گیرد. به عنوان نمونه:

- «دلالت دارد وجود او بر وجود مبدأ و علم او بر علم مبدأ و قدرت او بر قدرت مبدأ و اراده او بر اراده مبدأ و اختیار او بر اختیار مبدأ و حیات او بر حیات مبدأ» (قوچانی، همان: ۲۱)
- «پس بد مرکبی است، آنچنان مرکبی که نفس من مرکب خود قرار داده است» (همان، ۵۸)
- «بنابراین وجه جهت تقدیم ایلاج لیل در نهار بر عکس آن، تقدّم آن ایلاج بر این ایلاج است در خارج، چون خلقت زمین و آسمان شد روز بود و اول ایلاج لیل در نهار شد و بعد ایلاج نهار در لیل واقع شد» (همان، ۷۷)
- «تکبّر بر مخلوقات حقّ نوزد چو تکبّر بر خلق راجع به تکبّر بر خالق شود» (همان، ۸۷).

د: واژه شناسی

دانش لغت یا واژه شناسی یکی از دانش‌هایی است که در فهم متون دینی نقش بنیادین دارد، آقا نجفی نیز به این امر مهمّ توجه داشته است؛ بنابراین برای بازشناسی الفاظ دعای صباح و تعیین حدود معانی آن از علم لغت یاری می‌گیرد و تقریباً در ذیل بیش‌تر فرازهایی از دعای صباح واژگان آن را بررسی می‌کند و معنای محصلی از آن‌ها به دست می‌دهد.

در ذیل به چند نمونه از واژه شناسی آقا نجفی در شرح دعای صباح اشاره می‌شود:

- «هِنَّ جمع مَنّت به معنی نعمت است، و اسم مَنّان مشتقّ از این است، یعنی کثیر العطاء نه آنکه به معنی مَنّت گزارنده بر عباد است» (قوچانی، همان: ۳۳).
- «الآماق، جمع موق است و موق گوشه چشم است از طرف بینی، چنانکه لحاظ، گوشه چشم است از طرف گوش، زفرات جمع زفرة است و زفرة نفس طولانی است که محزون می‌کشد و به عبارت اخری، به معنای آه کشیدن است از حزن و در اصل به معنی مشک آب هم آمده است» (همان، ۴۶).
- «نَزَقَ الخُرْقَ: نَزَق به معنی جستن است و الخُرْقُ بالضم ضدّ الرفق یعنی: تندی و درشتی نمودن و به معنای جهالت و حماقت هم آمده است» (همان، ۴۷).
- «عشرات جمع عشرة به معنی لغزش است ... و کبوات جمع كبوة است به معنی دور افتادن است...» (همان، ۵۱).
- «کلمه واهماً گفته می‌شود در نزد تعجب از چیزی و در نزد توجّع و دردناک بودن از چیزی و در اینجا مراد اظهار وجع است» (همان، ۵۹).
- «الایلاج: به معنی داخل کردن است و ابتدا داخل کردن شب را در روز در اول حمل است» (همان، ۷۶).
- «دیاجی جمع دُجی به معنی تاریکی، غَسَقَ اول شب است» (همان، ۸۲).
- «ثَبَاج صیغه مبالغه از ثَج است به معنای سیلان است» (همان، ۸۳).
- ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

هـ: اصطلاحات نجومی

به کارگیری اصطلاحات نجومی در شرح دعای صباح آقا نجفی گویای آشنایی شارح با علم نجوم است:

فلک اعظم، معدّل النهار، منطقة البروج، اعتدال ربیعی، اعتدال خریفی، انقلاب صیفی، انقلاب شتوی، قطب شمالی، قطب جنوبی، برج، فلک ثوابت، حمل ثور، جوزاء، سرطان، اسد، سنبله، میزان؛ عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت (همان، ۱۷-۱۸)، اقالیم سبعة، اقلیم سرطان، اول میزان (همان، ۷۶)

۷-۱-۳: سطح نحوی

در سطح نحوی، یا سبک شناسی جمله، جملات از نظر محور هم‌نشینی بررسی می‌شوند، کوتاه و بلند بودن جملات نیز می‌توانند تا حدی از مشخصه‌های سبکی به شمار رود (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

الف: جابه‌جایی ارکان جمله

ساختار جمله‌ها در شرح دعای صباح تا حدودی گرایش به هنجارگریزی دارد و جمله‌های خارج از هنجار تقریباً با جمله‌های هنجارمند برابر هستند، این هنجارشکنی بیش‌تر به خاطر جابه‌جایی ترتیب متمم، فعل و مفعول رخ می‌دهد، هنجارشکنی و تنوع ترتیب اجزای جمله در نتیجه پیروی آقا نجفی قوچانی از شیوه گفتار و اثرپذیری از نحو عربی - آوردن فعل در اول جمله - است و چه بسا می‌توان گفت که این ویژگی ناشی از غوطه ور شدن ایشان در زبان و ادبیات عربی و به شیوه عادت رخ داده است:

- «کشید و طویل ساخت خطوط شعله شمس را با نوری که حاصل از شعله نور است» (قوچانی، ۱۳۷۸: ۱۹).

- «ای آنچنان کسی که دلالت کرد بر ذات خود بنفسه و به خودی خود نه به براهین» (همان، ۲۲).

- «پس رها کند او را به حال خود» (همان، ۳۳).

- «پس او دلیل شد خلق را به سوی تو با کلمات خود به دلالت لفظی و به وجود و اوصاف حمیده خود به دلالت عقلی» (همان، ۳۵).

- «ایجاد کن یا بسیار کن بار خدایا از بزرگی خود نه برای چیزی دیگر در آب خوردن من، چشمه‌های خشوع را». (همان، ۴۶)

- «ارائه کند اصناف مطالعات و شبهه کاریها را به لباس برهان حق و میزان عادل و ارائه کند اعداء را به صورت احبه پس دوست گیرد زن و اولاد و اموال را» (همان، ۵۹)

- «تخصیص داد پُری خزائن را به وقت قحطی به جهت مبالغه در راه نیافتن نقص بر خزائن او» (همان، ۶۸)

- «نفس گمان کند که خود عین بدن است و متأثر شود از انحراف مزاج و تفرق اتصالات بدن و سرایت کند احوال روح به بدن مثل حیات و قدرت و شعور و خیال کند بدن که اینها از اوست نه از غیر». (همان: ۸۱)

... -

ب: کاربرد تکیه کلام های عربی

در بحث از گزینش واژگانی در شرح دعای صباح بیان شد که لغات عربی در شرح دعای صباح از بسامدی بالا برخوردار است؛ اما باید گفت که تأثیر آقا نجفی قوچانی از زبان عربی محدود به کاربرد واژگان این زبان نیست؛ بلکه گسترده‌تر است و این مسأله حاصل آشنایی کامل او با این زبان و زندگی در عراق است. در نثر آقا نجفی قوچانی علاوه بر واژگان مفرد عربی، تکیه کلام‌ها و حروف ربطی فراوان از این زبان وجود دارد که گاه حتی نشان‌گر اندیشیدن وی به این زبان است. حقیقت آن است که شرح دعای صباح دایم بین زبان فارسی و عربی در حال رفت و آمد است، و از همین روست که در نثر وی جملات عربی و فارسی بدون رعایت مرز مشخصی در امتداد هم قرار می‌گیرند و یا با یکدیگر می‌آمیزند، به گونه‌ای که گویی از دید آقا نجفی این دو زبان یک زبان هستند. با توجه به این که بنابر عقیده زبان‌شناسان، واحد زبان «جمله» است نه «واژه» (باطنی، ۱۳۷۱: ۲۱)، بسامد بالای «جملات» عربی و شیوه پیوستن این جملات به جملات فارسی، مقوله تأثیر آقا نجفی از زبان عربی را از حوزه «داد و ستد واژگانی» که معمولاً بین زبان‌های مختلف انجام می‌گیرد، خارج می‌کند و ماهیتی جدید به سبک شرح دعای صباح می‌دهد. خواننده شرح دعای صباح در مطالعه بخش‌هایی از این کتاب و برخورد با جملات عربی، حق دارد از خود سؤال کند که آیا در حال خواندن متن دو زبانه فارسی و عربی است؟!

- «مثل طلوع صبح و إذهاب الليل و إیتقان فلک پس دلیلند» (قوچانی، همان: ۲۲).

- «نسبت او به طرفین علی السویه و ذات او اقتضاء ضرورت هیچ طرف را ندارد» (همان، ۲۳).

- «به واسطه این مرکب به مقاماتی رسد که رشک ملک شود و به قاب قوسین او آذنی رسد»

(همان، ۴۷).

- «غیر اینها از تسویلاتی که لا تعذ و لا تحصی است» (همان، ۶۰).

- «احساس آن در غایت صعوبت است بل کاد أن یکون محالاً و أصعب از این، رفع این شرک

است» (همان، ۶۶).

- «چون داعی کوبید باب رحمت واسعة را هاربا من الذنوب و راجیا للمغفرة و احتمال داد که نا

امید و مأیوس گردد» (همان، ۶۷).

- «بالجملة الموت و الفناء از لوازم حرکت جبلی و توجه غریزی موجودات است به سوی حق»

(همان، ۸۵)

دیگر بسامد کاربرد تکیه کلامها و حروف ربط عربی در دیگر صفحات شرح دعای صباح به این شرح است:

اقرب به (ص ۱۷)، قال عزّ من قائل (ص ۱۸)، عجل الله فرجه (ص ۱۹)، لا یشدها (ص ۲۴)، کما لا یخفی (ص ۲۶)، کیف کان (ص ۳۰)، فافهم (ص ۳۰)، هارباً من الذنوب و راجياً للمغفرة (ص ۶۷)، کفی فیہ قوله (ص ۳۹)، فی الجملة مختلف فیہ (ص ۴۰)، رزقه الله لنا و للمؤمنین (ص ۴۴)، قاب قوسین أو أدنی (ص ۴۷)، وفقنا الله لمتابعتهم (ص ۵۸)، کاد أن یكون محالاً و اصعب (ص ۶۶)، وفقنا الله لذلك (ص ۶۶)، تقریباً لأذهان و تفهیماً للأفهام (ص ۶۷)، محتاج الیه و معطى به (ص ۶۸)، کما ورد (ص ۷۰)، الخیر هو الکمال (ص ۷۳)، علی کل شیء قدیر (ص ۷۸)، لا یشعر عابد حقّ (ص ۷۸)، لساخت الارض بأهلها (ص ۸۳)، الذلة لازم الموت فی الظاهر (ص ۸۵)، بالجملة الموت و الفناء (ص ۸۵) و... (همان)

ج: نثر آمیخته به شعر

از آن جا که آقا نجفی قوچانی از اندوخته ذهنی دقیق و سرشار در زمینه شعر فارسی و عربی برخوردار بوده‌اند، بنابراین در لابه‌لای عبارات شرح دعای صباح از ابیات شعری بهره‌جسته‌اند، ایشان در مجموع ۴۱ بیت شعر را به کار می‌گیرند که ۵ بیت آن، به زبان عربی و ۳۵ بیت دیگر به زبان فارسی است، آقا نجفی از به کارگیری این اشعار دو هدف داشته است:

۱- استفاده از شعر برای تکرار مطالب نثر است، به گونه‌ای که موضوع از نثر به نظم دست به دست می‌شود و تنها موجب طولانی شدن کلام می‌گردد و حذف آن به معنا خللی وارد نمی‌سازد:

- پس تمام عوالم روشن است به ضیاء عقل کل که باطن حضرت ختمی مرتبت است:

عبارت‌ناشتی و حسنک واحد رتال جامع علوم انسانی

- پس محبّ آن است که در همه وقت و در همه آن محبوب بین باشد که در او شائبه خود بینی

نباشد و باید از حقّ خواستگار این مقام شد:

بینی بینک انی ینازعنی فارفع بلطفک انی من البین (همان، ۵۷)

- آن که فعل عبد چون به اراده عبد صادر می‌شود، پس فعل از اوست و او مختار است در فعل و

حقیقتاً می‌بیند عبد اگر بخواهد می‌کند و اگر نخواهد نمی‌کند:

ای که گویی این کنم یا آن کنم این دلیل اختیار است ای صنم (همان، ۷۵).

۲- گاهی نیز هدف ایشان از بیان ابیات اشعار تکرار مطالب نثر نیست؛ بلکه برای تبیین اندیشه و دیدگاه خویش از زبان شعر بهره می‌گیرد و حذف آن نیز موجب نقص در معنی می‌شود:
- چون کریم‌تر و محبوب‌تر و مقرب‌تر به درگاه حق از مصطفی (ع) و آل او نبود لهذا دست
توسل به دست ایشان زد:

قطع این مرحله بی هم‌رهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی
(همان، ۳۴)

- و مادر آن حضرت آمنه بنت وهب بن عبد مناف که این جا سلسله یکی شود:
اولئک آبایی فجئنی بمثلهم إذا جمعتنا یا جریر المجامع (همان، ۴۱)
نشانی ابیاتی که آقا نجفی از آن‌ها در شرح خود بهره جسته است: (قوچانی، همان: ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶).

د: طرح اصطلاحات و مسایل نحوی و صرفی

یکی از ابزارهای مهم که در شرح کتب عربی به ویژه کتاب‌های دینی از اهمیتی زیاد برخوردار است، آگاهی از قواعد زبان عربی (صرف و نحو) می‌باشد. شاید بتوان گفت یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شرح آقا نجفی به کارگیری صحیح قواعد نحوی و صرفی و اهتمام به آن در خلال شرح می‌باشد، ایشان در شرح دعای صباح پیش از پرداختن به معنای متن، به نقش کلمات در جمله بر اساس قواعد عربی می‌پردازد و در این میان به برخی از اصطلاحات و مسایل صرفی و نحوی اشاره می‌کند:

- متن دعا: یا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَّاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ

متن شرح: «یا حرف ندا، مَنْ موصوله است یا موصوفه و اولی اولتر است تا این که اشاره باشد به این که باری تعالی معروف به این صلات است، لسان صباح مفعول است، اضافه لامیه است، بنطق، باء از برای ملابست است یا مصاحبت و اضافه نطق بیاتیه است یا به تقدیر لام...» (قوچانی، همان: ۱۳).

- متن دعا: و أَيْقُظُنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَ إِحْسَانِهِ

متن شرح: «إلى متعلق است به أَيْقُظَ بنا بر تضمین کردن او را معنی توجه، ما موصوله است منحنی ای اعطانی ضمیر به، راجع است به موصول، من منته بیان موصول است» (همان، ۳۳).

- متن دعا: صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ الدَّلِيلَ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَيْلِيلِ

متن شرح: «اللَّهُمَّ در اصل یا الله بوده، حرف ندا حذف شده است، عوض آن میم مشدده در آخر آن زیاد شده است، و لهذا جمع بین هر دو نشود.» (همان، ۳۴).

- متن دعا: و عَلَيَّ آلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفِينَ الْأَبْرَارِ

متن شرح: «اصل آل اهل بوده به دلیل بنای تصغیر او براهیل و التصغیر یرد الشیء إلى أصله» (همان، ۴۲).

- متن دعا: اِلٰهِي قَرَعْتُ بِابِ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي

متن شرح: الهی منادی به حذف حرف ندا و اضافه او به متکلم اضافه تشریفیه است. قرعتُ فعل و فاعل، رحمتک مفعول به ...» (همان، ۶۰).

- متن دعا: كَلَّآ وَ حِيَاضُكَ مُقَرَّمٌ فِي ضَنْكِ الْمُحَوَّلِ

متن شرح: «کَلَّآ کلمه ردع و انکار است و از صورت استفهامیه سابقه و حیاضک مبتدا و مترعه خبر است و فی ضنک متعلق به مترعه و در او مضاف محذوف است ای فی وقت ضنک» (همان، ۶۸)

...-

هـ: کاربرد هنری آیات، احادیث و عبارات نهج البلاغه

با نگاه به شرح دعای صباح آقا نجفی می‌توان دریافت کرد که ایشان از ۶۵ آیه قرآن، ۹ عبارت نهج البلاغه و ۳۵ حدیث به صورت‌های گوناگون بهره جسته است.

هـ-۱: کاربرد هنرمندانه آیات قرآنی، احادیث در بافت کلام

در شرح دعای صباح، مواردی فراوان وجود دارد که آیات قرآنی و احادیث به شکلی هنرمندانه در بافت کلام جای گرفته است، در این گونه موارد، عبارات قرآنی یا احادیث به صورت ترکیب اضافی و به طریق متمیم یا تکمیل - که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در اقتباس به شمار می‌آید - نه تنها از جهت لفظ؛ بلکه از نظر معنی نیز چنان به عبارت فارسی پیوند می‌خورد که امکان جدایی و انفکاکش نیز متصور نمی‌شود. در چنین کاربردی، آیات و احادیث یا به شکل اقتباس و نقل تمام آیه و یا به طریق نقل چند کلمه از آیه یا حدیث صورت می‌گیرد. درج هنرمندانه آیات قرآنی، احادیث و عبارات‌های نهج البلاغه در میان جمله‌های فارسی علاوه بر برهم زدن روال طبیعی کلام، موجب آشنایی زدایی از زبان و برانگیخته شدن عاطفهٔ اعجاب و شگفتی مخاطب می‌گردد و از طریق ایجاز و اختصاری که در بطن عبارت قرآنی وجود دارد، ظرفیت‌های معنایی و بلاغی دیگر را نیز به متن می‌افزاید:

- این فلک در مقدارهای تزیین خود به بروج دوازدهگانه که ائمه اثنی عشر است صلوة الله علیهم اجمعین که باعث هدایت خلقتند به شاهراه هدایت «وبالنجم هم یهتدون» و معلوم شد ... (قوچانی، ۱۳۷۸: ۱۹).

- اوست واسطه فیض وجود و کمال هر موجودی از ناحیه اوست «لولاک لماخلقت الافلاک» از اینجا معلوم می‌شود... (همان، ۳۷).

- قال امیر المؤمنین علیه السلام دو چیز است که من از آن دو چیز برای شما ترسانم «إتباع الهوی و طول الأمل» (همان، ۶۹).

- پس اوست که «یرزق من یشاء بغیر حساب» پس این کارهای بزرگ نشانه و دلیل است ... (همان، ۷۸).

هـ- ۲: آیات و احادیث به صورت مستقل و برای تأیید معانی پیشین ذکر شده‌اند

گذشته از مواردی که در آن آیات و احادیث به شکل هنرمندانه به کار رفته، مواردی نیز وجود دارد که آیه و یا حدیث به عنوان تأیید و تأکید معنای کلام به کار رفته‌اند:

- بدان که حقیقت حضرت نبوی صلوات الله علیه اول صادر و اول مخلوقی است که از حضرت حق صادر شده چنانچه فرمود: «اول ما خلق الله نوری» (همان، ۳۶).

- این مرتبه را نفس مطمئنه گویند، از جانب خدا آورده است و به او بازگشت خواهد نمود «یا ایتها النفس المطمئنة إرجعی إلی ربک راضیة مرضیة» (همان، ۵۴).

- عبادت بدون معرفت ثمر ندارد «ماخلقت الجن و الإنس إلا لیبعدون» (همان، ۷۹).

- پس عبد اگر به کمالات بزرگ به عنایت حضرت حق رسیده باشد، سزاور است که ایازوار نعلین و پوستین کهنه خود را فراموش نکند و از طور خود خارج نشود و خود را گم نکند «رحم الله امرء عرف قدره و لم یتعد طوره» (همان، ۸۷).

نشانی آیات، احادیث و عبارت نهج البلاغه در کتاب شرح دعای صباح به این گونه است:

(قوچانی، همان: ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷).

۲-۷: سطح ادبی^۱

در این سطح چنان که از نامش پیدا است زبان ادبی اثر و انحراف از هنجارهای هنری و خلاقیت های ادبی بررسی می‌شوند. تمام سخن فرمالیست‌های روسی این است که اصل در ادبیات همان ادبیت^۲ می‌باشد، یعنی آنچه یک متن یا اثر را ادبی می‌کند. ادبیت که بن‌مایهٔ مکتب فرمالیستی است، در حقیقت بیان‌گر فنونی است که اثر را هنری و زیبا می‌سازد (برکات، ۲۰۰۴: ۱۹۱)، بنابراین در تحلیل سطح ادبی یک متن یا اثر ادبی مسائلی از علم بیان از قبیل: تشبیه، استعاره، کنایه هم‌چنین مسایل بدیع مورد بررسی قرار می‌گیرد (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵۸).
ویژگی‌های ادبی و عناصر خیال شرح دعای صبح ذیل دو عنوان قابل بررسی است:

۱-۲-۷: طرح مباحث بلاغی در ضمن شرح

یکی از جنبه‌های ارزشی این کتاب طرح مباحث بلاغی است، آقا نجفی به قواعد علوم ادبی، توجهی ویژه دارد و در مواردی بسیار با بهره‌گیری از قواعد علوم ادبی به طرح مباحث بلاغی در شرح دعای صبح پرداخته است، ایشان ضمن تشریح این قواعد در سیاق متن به تحلیل و بررسی آرایه‌های ادبی دعای صبح می‌پردازد و زمینهٔ درک بهتر علوم ادبی دعای صبح را فراهم می‌سازد؛ در زیر نمونه‌هایی از انواع این تحلیل‌ها آورده می‌شود:

- متن دعا: یا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ

متن شرح: «ضمیر تَبْلُج راجع به صبح است، و تشبیه صبح به نفس متکلم استعاره بالکنایه است و اثبات لسان که از لوازم مشبه به است، استعاره تخیلیه است و ذکر دلع ترشیح است» (قوچانی، ۱۳۷۸: ۱۴)

- متن دعا: وَ سَرَّحَ قَطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بَغْيَاهِبٍ تَلْجُلُجِهِ

متن شرح: «بیان تشبیه قطعه‌های تاریکی شب به گله چارپایان استعاره بالکنایه است و اسناد سرح به سوی او استعاره تخیلیه است و هم‌چنین تشبیه لیل به انسان متکلم به قرینه اضافه تلجلیج که از لوازم متکلم است به او، وجه تلجلیج لیل آنکه چون اشیاء در ظلمت لیل خوب متمیز نیستند، مثل

1. Literary Level

2. Literariness

معانی کلام متلجلج پس گویا لیل در اظهار اشیاء متلجلج است و در جمع بین ظلمة و تبلیج طباق است، مثل جمع بین نطق و تلجلج که از محسنات بدیعیه است.» (همان، ۱۶)

- متن دعا: وَ كَفَّ أَكْفًا سُوءٍ عَنِّي بِيَدِهِ وَ سُلْطَانِهِ

«سوء، تشبیه شده است به انسان و اثبات کفّ از برای او شده است به طور استعاره تخیلیّه و در جمع بین کفّ و اکفّ جناس است و مراد از ید قدرت است، پس در جمع بین کفّ و ید ایهام تناسب است» (همان، ۳۳).

- متن دعاء: بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي

متن شرح: «یعنی به تو به تنهایی نه به تو و غیر تو پس قصر افراد است یا به تو نه به غیر تو فرود آوردم حاجت خودم را پس قصر قلب باشد چون تقدیم ماحقه التأخیر یفید الحصر و القصر و قصر یا افراد است یا قصر قلب و هر دو در این مقام رواست اگر چه قصر قلب است» (همان، ۸۸).

۲-۲: بهره گیری از علوم بلاغی

همان طور که پیش از این بیان شد، آقا نجفی بیش‌ترین اهتمام خود را به شرح و توضیح مسایل بلاغی دعای صباح نموده است و در ضمن آن نیز از عناصر بلاغی بهره می‌گیرد:

الف- آرایه تمثیل

در شرح دعای صباح، آقا نجفی برای فهم بهتر مطالب در لابه‌لای شرح خویش از آرایه تمثیل سود جسته است:

تا نگرید طفل کی نوشد لبن (همان، ۴۹).

شکر نعمت نعمت افزون کند (همان، ۷۸).

ب- تشبیه

در شرح آقا نجفی برخی اضافه‌های تشبیهی به کار رفته است که جای تأمل دارد: لجین الماء، ذهب الاصلیل (همان، ۱۴).

ج- کنایه

آقا نجفی به ندرت از زبان کنایه در بیان مطالب کمک می‌گیرند:

لیس وراء العبادان قرية (همان، ۳۷)،

زیدٌ کثیر الرّماد (همان، ۳۸)

۳-۷: سطح فکری^۱

آقا نجفی در شرح دعای صباح فقط به شرح مطالب نمی‌پردازد؛ بلکه آن‌جا که ضرورتی احساس کند، ابتدا به بیان مفهوم ظاهری عبارت مبادرت می‌ورزد، سپس تحت عنوان «بطن» به تبیین مفهوم باطنی و ماورای ظاهر عبارت می‌پردازد و آن‌گاه با عنوان «بطن البطن» برای اهل ذوق مطلب را شرح و بسط می‌دهد تا خواننده را به عمق دریای نیایش امام عارفان علی (ع) آشنا سازد. آقا نجفی در شرح دعای صباح به موضوعاتی عرفانی و فلسفی گرایش دارد و این بیان‌گر رویکرد فلسفی و عرفانی ایشان در شرح دعای صباح است، محورهای اصلی اندیشه وی در شرح دعای صباح شامل موارد زیر است:

الف - معرکه آرای حکما «اتحاد عاقل و معقول»: در این زمینه، نویسنده آرای حکما را درباره اتحاد عاقل و معقول بیان می‌کند؛

ب - شناخت حق تعالی بی معرفت ائمه اطهار میسر نیست: شارح معتقد است که شناخت خداوند بدون شناخت پیامبر و ائمه اطهار امکان پذیر نمی‌شود؛ زیرا آنان راهنمای بشر برای رسیدن به خداوند بوده‌اند و بی‌تردید بدون شناخت آنان، شناخت خداوند یگانه تحقق نخواهد یافت؛

ج - نفس سعید و نفس شقی: شارح به تبیین نفس نیکو و شقی پرداخته و معتقد است نفس آدمی اگر کنترل شود، سبب وصول آدمی به درجات عالی و قرب الهی می‌شود؛ اما اگر از کنترل خارج شود سبب هلاکت آدمی می‌گردد؛

د - توسل به اهل بیت (ع) مایه نجات: دست توسل به دامن اهل بیت (ع) سبب نجات آدمی از بلاها و مصیبت‌ها است؛

ه - غرض از دعا ذکر معشوق و برآمدن حاجت است: در پایان می‌توان گفت شالوده اصلی تفکر آقا نجفی در شرح دعای صباح ذکر معشوق و برآمدن حاجت است؛ زیرا ایشان بر این باور می‌باشد که هدف از دعا ذکر معشوق و طلب نیاز از او و برآوردن حاجت است.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های دقیق که در سبک‌شناسی شرح دعای صباح آقا نجفی قوچانی صورت پذیرفت و ویژگی‌های سبکی آن در سه سطح زبانی، فکری و ادبی طبقه‌بندی گردید، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱- **سطح زبانی:** الف- سطح آوایی: نثر آقا نجفی قوچانی خصلت سبکی برجسته‌ای از جهت آواشناسی و موسیقی کلام ندارد؛

ب- سطح لغوی: ۱- لبریز از واژگان فلسفی و عرفانی، ۲- گزینش و به‌کارگیری واژگان عربی، ۳- پرهیز از تکرار واژگان، ۴- واژه‌شناسی الفاظ دعای صباح و تعیین حدود معنا، ۵- به‌کارگیری اصطلاحات نجومی؛

ج- سطح نحوی: ۱- گرایش به هنجارگریزی بیش‌تر به خاطر جابه‌جایی ترتیب متمم، فعل و مفعول، ۲- به‌کارگیری وافر از تکیه کلام‌ها و حروف ربطی زبان عربی، ۳- بهره‌گیری از ابیات شعر در لابه‌لای عبارات شرح دعای صباح برای دو منظور: نخست تکرار مطالب نثر و دیگر برای تبیین اندیشه و دیدگاه خویش و عدم تکرار مطالب نثر، ۴- طرح اصطلاحات و مسایل نحوی و صرفی، ۵- کاربرد هنرمندانه آیات، احادیث و عبارات نهج البلاغه.

۲- **سطح ادبی:** آقا نجفی به قواعد علوم ادبی توجهی ویژه دارد و در موارد بسیار با بهره‌گیری از قواعد علوم ادبی به طرح مباحث بلاغی و تحلیل و بررسی آرایه‌های ادبی دعای صباح می‌پردازد و زمینه درک بهتر علوم ادبی دعای صباح را فراهم می‌سازد، ایشان علاوه بر پرداختن به مسایل بلاغی به ندرت از عناصر بلاغی در متن شرح بهره گرفته است؛

۳- **سطح فکری:** آقا نجفی در شرح دعای صباح به موضوعات فلسفی و عرفانی توجه دارد و محورهای اندیشه‌وی در شرح دعای صباح شامل: ۱- معرکه‌آرای حکما «اتحاد عاقل و معقول»؛ ۲- شناخت حق تعالی بی معرفت ائمه اطهار میسر نیست؛ ۳- توضیح و تفسیر نفس سعید و نفس شقی؛ ۴- توسل به اهل بیت (ع) مایه آرامش و آسایش؛ ۵- ذکر معشوق و برآمدن حاجت.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. امین پور، قیصر (۱۳۸۴)، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. طبطبی، محمّد رضا (۱۳۷۱)، *پیرامون زبان و زبان شناسی*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
۴. برکات، وائل و دیگران (۲۰۰۴م)، *اتجاهات نقدیة حدیثیة و معاصرة*، دمشق: منشورات جامعة دمشق.
۵. بهار، محمّد تقی (۱۳۴۹)، *سبک شناسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
۶. تهرانی، آغابزرگ (۱۴۰۳)، *الدربة إلى تصانیف الشيعة*، بیروت: دار الاضواء.
۷. خاقانی اصفهانی، محمد، مریم اکبری (۱۳۸۹)، «سبک شناختی قصیده لایع النرد محمود درویش»، *مجله زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۷، زمستان.
۸. خراچنکو، میخائیل (۱۳۶۴)، *فردیت خلاق نویسنده و تکامل ادبیات*، ترجمه نازی عظیمی، تهران: انتشارات آگاه.
۹. سنایور، حسین (۱۳۸۷)، *جادوهای داستان: چهار جستار داستان نویسی*، تهران: انتشارات چشمه.
۱۰. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) *کلیه ات سبک شناسی*، تهران: انتشارات فردوس، چاپ چهارم.
۱۱. _____ (۱۳۷۴)، *سبک شناسی شعر*، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول.
۱۲. عبادیان، محمود (۱۳۷۲) *فرآیندی بر سبک شناسی در ادبیات*، تهران: آوای نو، چاپ دوم.
۱۳. هلامرضایی، محمّد (۱۳۸۲) : *سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*، تهران: انتشارات جامی.
۱۴. فتوحی رود معینی، محمود (۱۳۹۰) *المبیک شناسی نظریه ها، رویکردها و روشها*، تهران: انتشارات سخن.
۱۵. قوچانی، آقاجنقی حسینی خراسانی (۱۳۷۸)، *شرح دعای صباح*، تهران: نشر هفت، چاپ اول.
۱۶. _____ (۱۳۶۲)، *سیاحت شرق*، تهران: امیرکبیر.
۱۷. مجلسی، محمّد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه احیاء التراث العربی.
۱۸. معین، محمّد (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: نشر سرایش.
۱۹. مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)، *فرهنگ اصطلاحات نثر ادبی*، تهران: انتشارات فکر روز، چاپ دوم.
۲۰. میر صادقی، میمنت (۱۳۷۶)، *واژه نامه هنر شاعری*، تهران: مهناز، چاپ دوم.